

سببها ملبودم نظیر بعضی درگستان

نمودن زبان را بر انسان بدیم ۱۳۱۰

۱- دوستانی یافتند که کتاب زردش با آن زبانی نوشته شده است

و با زبان سکریت نزدیک دارد

۲- فارسی قدیم که کتبه اریادش آن حتی مشربان زبانی برستان

کندند

۳- هندی که زبانی دور پادشاهان انگلیسی در ساسانی است

که در وقت سوره هلدی است ۱- هلدی جدید

سوال این لجه با بزم شاه؟ دلجه را در از قبل سفید رنگی

دو روز در و طبعی در آتی و آرزوی دنا را در کردی و مشربان

و زبانی که بعد از اسلام است نظم در فارسی ملک زبانی نوشته شد

دشمن ما زبان زبانی سخن میگویم و آن زبان را فارسی مینامیم هر دو

زبان در است

این بعضی کتبه زبانی در بعضی زبان با هم است و این زبان

فصحی ترین لجه است اول معربان است بعد زبانی در زبان مردم

بلخ و خارا است

لا اله الا الله

جلد دوم سبک‌شناسی

تذکره کتب نامی در راه در دست است از قرن ۴ هجری تا کنون

نزد در سبک‌شناسی از میان سبک‌شناسی است و طبقه تقسیم شود

۱ - دوره ساسانی ۲۰۰ - ۵۰۰ م	۱۱	۳ - ۴۵۰
۲ - عربی و سلجوقی اول ۵۰۰ - ۵۵۰ م	۱۲	۴۵۰ - ۵۵۰
۳ - سلجوقی دوم و قراقرخ سال - قرن ۶	۱۳	۵۵۰ - ۶۰۰
۴ - سبک‌های قرن ضعیف	۱۳	۶۰۰ - ۱۲۰۰
۵ - سبک‌های ادبی	۱۹	۱۲۰۰ - ۱۳۰۰
۶ - سبک‌های نوین	۲۰	۱۳۰۰ - ۱۴۰۰

۱۳۱۱

۱ - در دوره ساسانی سبک‌های ساسانی و ساسانی و سبک‌های دیگر
 قرن ۱۱ م « سبک‌های ساسانی و ساسانی و سبک‌های دیگر
 آن تاریخ بعضی حدود العالم است

۲ - در دوره غزنوی و سلجوقی اول سبک‌های عربی و سبک‌های دیگر
 قرن ۱۲ م طولانی سبک‌های عربی و سبک‌های دیگر
 و کلمه در سبک

جلد دوم کتب کتب

۳- در دوه سلجوقی خدم و خوار در میان - بوزانه و کعبه و کفایت و صنایع
(۱۴۱۲)

بدیع روزگار و یادگار است. نمونه آن مقامات خمیده و در زبان نامه

۴- در حوضه صنعتی کفایت - بدیع زبان و گویش در لغات عربی
مکمل و اصطلاحات - علمین نزد افروختنی از کتب در اصطلاح
۱۹۱۴

حرفم آن را در کتب سافت نمونه: لایب الالباب
و حوامع الکلی - عوالم و تاریخ یمن - تاریخ و حواف

۵- در دوره بازگشت ادبی لغت از کتب زبان و کتب کتب
خواندن و کتب تاریخ بهیچ روایح کتب و کتب آن نشأت نام
۲۰۱۶

مفاتیح و تاریخ الکتاب سید در لغات - بدایت و تاریخ در لغات

۶- در دوه زبان و کتب - کتب تاریخ و وضع روایح کتب و کتب آن
رساله های ملکم و ترجمه جامع بیابان اصنافی و کتب - احمد طالعوف
۲۰۱۶

و سایر روایح - ادو کتب - ابراهیم بیک دافانه کتب و کتب

بر ترجمه محمد طاهر میرزا و سایر کتب این گروه که مقامات هر ابراهیم
مانند از آن جمله است

بله دوم سید شنگ

تقدیرت بنام قدرتمندترین نمونه نژاد کائنات در آن با آنکس
نفاست عمری باقی برود

ابو رحمان برونی از مردم برون که محلی بودم است برون

گرگانه حوازم در ۴۹۱ ولادت یافت در سن
در اوان انقلاّب بلا فقه بود است در زمان سلطان محمود
و سلطان سعید در آن کوه در فتنه

کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم از او است در
کتاب صدویج نفاست عمری با برود

البرعس سینا کتبخانی رئیس لادزم بخارا است

در تمام علوم برون در طب و حکمت سرآمدند
دانشنامه عدراغی - قراضه طبعیات و رساله نبض
تسلسل بادیه

طبردم سبکبندی

ابوالحسن

ابوعلی سینا در نقد بر افشاری مکتوبه ابو عقیق محمد بن دکن تبار

با گفته است که کتابی در علم نبویه و لذا در کتاب

در منطق "مردمان علم تراورد است"

۱- علم طبیعی - آنچه بیرون از طبیعت است

۲- علم ریاضی - از عالم درون است

۳- علم فقهی

۴- علم آنچه بیرون از طبیعت است

زین الاخبار گردیزی - الفی ابو سعید علی بن محمد گردیزی

که در ۴۰۰ هجری نوشته شد

کتاب المحبوب ابو عقیق مکتوبه در نامه تدبیر اهل اسلام

طبله دوم سبک‌شده

مختصات سر دوره اول قرن دوم

۱- دیکار زانصار

۲- آلاب - دست‌باز بیع دیوانه

۳- تکرار ~~دست‌باز بیع~~ حوله تکرار یک لفظ حوله تکرار

یک حمله صمد بیع

۴- کوتاه حمله

۵- کهنه شانه

۶- استعمال کتبه ظرف اندر بجای در و استعمال افعال

نشانی‌ها مثل کردگی - رفتنه

رودک سگده

بیا ر آن من که تدارک دوران باقرت نایستی

و احوال برکنده تنگ پس آفتابستی

۷- استعمال ضایع فلاس کنه - مثل برگشت باد نفس معاذاله

۸- استعمال باء تاکیه بر مفعول ماضی

جلد دوم سبک‌شماره

۹- آمدن او در وی برار ذی نفع و نثر ذی نفع

۱۰- استعمال مصدر بجای مصدر مرفوع ^{نقش} و در افعال نکره ^{نقش} که از آن بیستم بیخبر در این مورد کجای نقش گفت
نقش مصدر مرفوع همواره آورده

۱۱- طایفه را در آن عدد و عدد ^{نقش} ده لیران

۱۲- استعمال یکی بجای یک فردی است

یکی زعفران است چنانچه ^{نقش} کجا ماه دارد دو چشم سیاه

بدین حال چشمش یکی حال بود که چشم خودش هم بدین حال بود

۹۰

۱۳- مردم را غالباً مفرد می‌گویند

۱۴- بیست فرا را ^{نقش} که با هم در صابر ملا روند

فرا برادریست که از او دارد

طلبه درم سبک شناس

کتاب درم - در عهد غزنوی و سلجوقی اول ۴۵۰ تا ۵۵۱ هجری قمری
۱۱ تا ۱۲

در این کتاب - سلطان محمود و طفولت و والد - ارسال مردم خدایان
مردم عراق محو شده در این کتاب - اصداد و خدایان و در این کتاب
در سبک و افعال عراق - عرب با ایران غنیمت - تفرقه و اقصی در نظم و سروده
کتاب آفریننده خدایان و مردم با هزار اله بود که آنکه کسب شود آنرا
سبک سلجوقی و در این سبک ابوالمعالی فرزندش با نام " ۹۵

سبک سلجوقی

ابو الفریح بن دینوری سبک سلجوقی محمود و سعید بود و اگر داد ابو الفضل
به حق بود که کتاب به حق را نوشت
مختصاً - تراشید

- ۱- کتاب نغمه جلیه - قدر مفضل و در این کتاب است
- ۲- توصیف - شرح دعواته با نظره سازن توأم است
- ۳- استهلاک کسب - با این را از این سخن طلب است و با این بود با طاعت
نمایم نقل میورد

پڑھیں - پوچھیں - جلدی
ہیں - دیکھیں - سواطیر ہون

CNT98DA01G L2898-60001

حله دوم سبک شدن

۴- نقله از شرتازی حجاز عربی دارد اثرشودش قدما قدم

دستر که = موزن لغز دستر عربی نوشته شود . سوا صفا

گیا افعال ته از مانده با بر روی سبک

۵- فدفا افعال یقونه گاه افعال در یک صله با ریه شود در جمله

بعد یقونه مانس فعل حذف شود

ضمه سلاتی بکند کتون با پاره کجا و سها

بسیگر بمنس کرد صبح روزی

سر الملک ما سبک استانه
تو ف آن فرامه نظام الملک

که وزیر الب ارسلان و سلطان

ملک ه بودا . در اصل ۴۵

باب لونه است و اکون محمود اکون در

۵۵ فصل است . در ادله فردن بنیم

نوشته شده

раг

Электронно Кардиограмм $\frac{1}{2}$

ONTARDO 16 1298-86601

جلد دوم سبک شناسی

قابوسنامه - تألیف امیرعزیز المعالی کیکاووس اسکندر بن کیکاووس
لقب شمس المعالی که در وقت فرزند خود کیکاووس

در تاریخ ۴۷۵ نوشته شد
کتاب - در علم مایه است دیگر از آثرین کتب فارسی است

مجله التکرار فی الفقه

این کتاب - در ۵۲۰۰ جلد و ۵۲۰۰ جلد

سفرنامه و زاد المسافرین به افغان و هند و سایر بلاد
و وجه دین

تقریباً در ۴۹۴ و ۴۸۱ نوشته شد

سفرنامه در فخرافیا و عرض و طول بلاد ~~هند~~ از بلخ تا کندهار
زاد المسافرین در حرکت الی هند و وجه دین در باب تزیین المعالی

جلد دوم سبک شناسی

کتابهای علمی در قرن پنجم

کیمیای سعادت
کیمیای سعادت

روضه المنعمین - نزهت نامه علاء

تألیف محمد غزالی - امام محمد غزالی (دین خود را)
از ۴۰ تا ۵۰۰ از ترجمان عملی دین است

کیمیای سعادت کتابی است در علم دین و علم اخلاق

توضیحات کتابی است فاضل کربن ذخیره کند نوبت است

بابم ابوالفتح عمر بن ابراهیم النخاس الشافعی

سودای خسروانی نصایب بود است که سران با سودگرایان

در تیراهن است که آن را در مع آتش و در نگاه آنگاهها

شکرنامه

۱۷۵

جلد دوم کتب شریف

لغت کرام

در وصف کتبات و حروف

سوف بیرونانی بغیر حرکت و لفظ فیلوف که آنانی
بیلا سوا گویند از این مانده بغیر دو سه آه حرکت

این ندب و طریقه (تصرف) و تلفظ حمزط و معجزاتی است
از ترکیب آداب و زما روحیه و ملتقه آن گویا گون که

تعالیم مانویه و بنود و مخبسی از ملتقه التواتر و کتند بیان

در آن راه یافته و بنائش بسیار است که از آن بوجود آمده است

و بعدا تعالیم السعیدیه و المروت نیز جزو بر آن افزودند

۱۸۱

طلبه ددم سبک‌شماره

لصرف استه اء در بغداد روشن گرفت در اد اقران کم در آن دم
حسن بن منصور و جنبه و بیبی دما و نسی که سر آنگان این
دعوت است در بغداد ظهور کرده

در عرصه ایامان لصرف در عراقان که آن در است
در رستمان لفظا و شعرا آن عهد اثری از این ندید می شود
لصرف بر از بزرگ سلطان محمود و صف غزنویان و در فواید
روایته ترا ابیات و ابوسعید ابوالخیر خان ق. ظاهر کرد

در مردم را بدین سبک دعوت نمود با جزا و نظام الملک و شیخ الرئیس
ابوعلی سینا و دیگران نیز بسیار در دست نمودن در سرار
وزاری ازین بود آن عهد و نه می توان صوفیگری تر کرد و ابیات
دری بر اثرش در موقوف نذیب نگذرد و نیز در کتب خود
در پیشقدم لصرف حکم نمائی است

دو نفر ابوسعید ابوالخیر پیشقدم است که کتاب او «تذکره ابوالوفاء»

یک قرن بعد از او در آن نیره اثر می شود

تذکره

شیخ ابوسعید ابوالخیر از تریه «امهنة» من اعمال ابورد
در ۲۵۷ مکرده و در راه ماه زندگی کرم
نهی ۱۳ ساله و ماه در ۴۰ مکرده

ناو - رودخانه کبر ارسالی دست یاد و کوه مکرده

بایگه - سید و زینت نردبان وقار

جبروت - قدرت و تسلط خداوند

جنت - لایه کردن

سلوک - رفتار

سماح - آویز سینه کوشی دادن و سوزش مایه سینه

تکلف - برده در

و کوف - اعتماد

نسیه - نسیه

جلد دوم سبک‌شماره

کشف المحجوب - کشف ابوالحسن عینود است که در قرن پنجم هجری
تذکره اولیا - تعلق به شیخ طبرستان است که در ادوار اول
نقش آورده است

۱
۲

گفتار طایفه
در علم فخری

« فرق نمودن در اصل طبیعت است که شریعتی است که
گوشیه را در آن بجهت و مراد از سخن بیانی ساله دادای قصه
خالص از احساس و بیانات درونی ننوده باشد اما
قرائن کور و دلبره عقل بزرگان نیز در میان وقت و سخن
فرود میان و ما عریان واقعان ما بنفاس که کسی کس برود
با زاری حادثه و عقلی اما در دست صعب حال که مجموع
این قصه آ یا نوسه آ از سادگی بیرون نباشد
اما شعر در اصل طبیعت است که گویند آن
را با القاط و بقرآن خوش بیا راه و لذت و خرد و ذوق را با
همان دل و ذوق روح رنگ کند و از آن مراد و طبع و رای
شود نقل و نیویت شدن طبع عاده در کتب باشد
است ~~تبعیت~~ من اصل فرق میان نظم و شعر در کتب

طبر دم سکر شاهی

و در سگ اردن نیز یکس قفا دس ساکنین دو سال محاسب در میان
نمایی نیز بجای خود ریخته است ^{اصح} بیشتر در بزنی نامی قلمه معنی دارد
نزد نزدیک بر قوی بیشتر در سگله کورده یکی وزن و قافیه را
از صده صوفی ^{سورده} - دیگر وزن را فاطمه را در اندر
قافیه را نشانه سه قوی نشوزان را در سحر نشانه قافیه را
با آنچه مراد است که در اصل جمله است بدانکه سال سر و نظم
چه لاف و چه تو به است و قافیه که در اسم آورده برای مدینه است
میان آن که شمال نیز همان که داشته اند است و شمال آن لوبان
در میان صاحب و در اینجهان دیگر که خود سکر است و قافیه
دقیق به علاوه در دال مدبر اوس خود و لغت خود در سگ
صدن عالی در دال سگ است و قافیه است و قافیه از وزن و قافیه
تعمیر است سحر است نه سر و از امور موالی است که در میان شعر
است از سحر است و قافیه در عالم است - شعر به آنه پیش است
هر بر صوفی از این در چه زنده است در سحر و قافیه و در میان

برای برگشت سخن خود خیزی از شو دوام از قسنته در بر سر همراه کرده
و اما آنرا صفت نهادته و سایر آن تر بر این مگر در کسر
همراه افروخته و گفته که کار بسته در همچنان تا ش را صفت
نهادته و باز تر بر این از آنان تقدیه کرده خیزی دوام از قسنته تا بدو
تا بیخ رسیده ۲۴۰

در صدر السلام
شعر عرب در قرون ~~سوم~~ سابع و خال از خود دیگر ادوات لویه
" این قتیبه سخن برود و در بعضی ایماز ذکر میند گفت و بیشترین خیزی که
خطای در کتبی سخن جاها ده ۲۴۵

قد کتوبن شعر مضمون شعر این تصفح است در وجه طبع که اندکی
دارد از صفت کسب و دیوانه بیایند

کسب و دیوانه در قرآن حکایت دارد شعر است. نغز شعر بعد از
حوادث آن قرآن کرم با کسب آشنا شده که کسب بکلمه نه از شبه کسب
کاتبان و با کلمه عدم خود از قسنته از کتب آسمانی و با لوق کسبی

ترکمانان ایران و دولت زیم در گمان بسیار صغیر از زاد ترکمانان غزله
و از بکلی ترکمان از زاد تا آزار نه و تا بکلی بکلی و
سقفه و بخارا باقرمانه مردم قدم لغز بوزمان و از با ترکمان
ترکمان بیانشه " ۲۴۵ جدیدوم سبک

طیبه دوم مسجد شمس

دلیل بودن شمس به دیوفیرو اتباع از آن سینه کمال در سال تا درین مملکت
آفراندن بجمع خود داران بود که آن " (۲۲۸)

"نخستین بجمع سازندگی شیخ الاسلام عبدالرحمن صاحب ۴۹۸-۴۸۱ هجری
شاهان آملی که در آن سرسبز است و همگی بیست و نه ساله در آن
و آن فیروز در عهد ساسانی است که آن را آن کرانه
نیز درین مفرغ است [آب و بنده است عمارت زیبای
سمت روی بسین است

قرن ششم و انقلاب ادبی

قرن ششم را باید قرن شرفش نامید. در این دوره انقلاب بزرگی
در ایران سبب ظهور نام و نام نهاد آملی در عهدش است پس در ایران
و بلاد اسلام بوجود آمد.
عزیزان آملی که در آن دلی در آن سالها بنا کرد
بسی شکر و لایب را در آن بنا کرد و در آن سال که مردم

سعی بپوشد با سواد ادب باشد در ندانسته و باز از نونگی کادری
دانند و سواد نونستان به نثر و نظم فخر کرده اند تا نون مردم را بگوید
میکنند.

در نونستان ششم مانند سواد استعمال صنایع و کلمات - موردی و کجای
نکره و آوردن جمله را مترادف المعنی و مختلف اللفظ میگویند که در نونستان
چنانچه برابر الفاظ و افعال و اشیاء عربی و فارسی الفاظ و کلمات تا نون بسیار
گایر به ششم و نونان نونیه از نون و نونیه بسیار کرده.

۲۴۸

کلمه دونه را یکبار در دودکی بگرد آورده و با بزرگ نونان
کلمه در سال ۱۳۸۱ هجری قمری است. این کتاب در فونته بدک

مندیون است در زبان نونستان روزی حکم آنرا از نون آورده
دنیان لایمونی ترجمه کرد و برگرد حکم و نونیه یک باب بر آن باب

روزیه افروز

انامیک کتاب - زبان سبکتی (کرکا دنیکا) نونان

و در زبان لایمونی کلمه و دنگ ، سبکتی

کلمه دونه از طوطی علیه السلام مفعول اولی بار از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام
بار دیگر در کتب بزرگین احمد بن محمد بن ابی اسحاق و کتب دیگر بلعمی است - از کتب
سوادکس مرتب در کتب اول مدون تنظیم اولی بار در کتب اول
آن ضمن بود

بر که نامخت از کتب روزگار نیز تا خورد زب مع آوازگار
در کتب نظم بهاء الدین احمد تخلص به قانع از مردم طوس کلمه
نام عزالدین کنگه می از سلاویه آسای صنوبر به کتایب - مشهور در اولی بار
در کتب هم نام ملا حسین باصفی در خط سزوارس کلمه را
با سکه جیده در معانی عرفانی نوشته داس آنرا الوار سبلی
گذشته است

در کتب هم لویان اگر ساه درین شیخ ابوالفضل برادر
شیخ فیضی زکن آنرا از کتب نوشته دعایه دانس نام اولی بار
این مفعول یک فصل در کتب - کلمه دونه اصانه

طلبه دردم سیکند

برایات النظر با جمع بین الاضداد

سوره از اب- سخن صحت و از آتش سردی طبعی (صغرائی است)
که نیمه آن سوداها محرق باشد.

جمع و تفویض با سابقه الامداد

سوره گفته اند که مردم سوگروه اند حارم و عاف

کتابه و اسفار :

سرخ سحرهای برافق سرق برده کرد

تسبیح و تمسک

تسبیح و تمسک صغری است که از تیره ترین و تیره در ادب است (کتابه ایران)

مقام صغری در گفته و نیاید ادب است تیره دارانی بر آن بود است

تسبیح است : روح چون آتیه اسلام در ده گانه و در نفوس خصال برک

در دل تیره

طبله دوم سبک شده

از کلمه دونه

تشنه

« مو که خونت و نفیت کم را کند که قدر آن ندانند بمخندان انگلی است
که باید رزق در کوهستان تخم براند و با بره و خاویز کند »

نظام عروض سمرقندی

ادغام و طبیب و نیم برون و مرقه رادرسه بی ۵۵۱

نوشته است

« چهار قافه در کله اریک فمقره تشنه بر چهار بقایه در بیان سرائطی
که در چهار طبقه از مردم که با دشت آن بزعم مصنف بدین آن محتاج است
هستی در بر ششم و نیم و طبیب باید مجمع باشد و بعد از سرائط
مختص بزرگ در ضمن مرقه قافه آریک در حکایت تاریخی قاف

ابرار کوهنورد « ۲۹۸

طبع دوم سبک‌نما

تقدیرتکم

مقام = نفس صلب گوئی و در وسط و صفا به و سخنان را با اینک
حوادث آن

بدیع الزمان بهرانی شاعر و نویسنده بزرگ لهجور عرب و ایران ۱۸۵۲-۱۸۹۸

لو سگر مقامه نویسی است. مقامات او افاضات آن است که عیان
سالمون آن رمان است « ابوالفتح الاسکندری » است که نفس
مخلوق می‌خورد بدیع الزمان است

« گفته اند ادبیات خودک خودک بوجود نیاید نه بگفته »

۴۴۷

ادبیات بگفته دیدن سابقه بوجود نیاید

۴۴۸

در قرن چهارم و پنجم ترفیق وجود نداشت و کتب علمی و ادبی و تاریخی
درین مدت به یک سبک و سبک بود. خود بعضی قطعه از کتب
با سزاغازه از فضل گمان گناه یکی در وسط سبج در سینه ولی تو

طبع دردم سیکستان

ایچ سید دیگر از بیخ دیوانه در مطابقت و کرامت ادبانه گویا در جنبه اثر در دسترس

بسیار است - ۳۲۶

فکری در قرن ششم بحر یکبار به مقام نویس با تمام ضایعات دیوانه
در نظر فاسد ظهور کرده و بهترین نمونه آن مقامات احمدی است

گفتار پنجم

ار ۵۵۲ تا ۵۶۰

فقه عزان در برگ سحر بلخ

فادری سابقه نویس از بدو ظهور آل سلجوق در ایران روز دال
نهاد

تاریخ بهمن در ۵۵۲ توسط ابوالحسن عمی بن زید البهمن
تألیف کرده . این کتاب مخرجه است از سبک قدیم و سبک جدید
بهاء الدین محمد نسی علاء الدین بگش مؤلف کتاب

التوسل الی الرسول است

حرفا دما فی معام طفل افزین ملک سلجوق عراق بود داوانغ
عقبی طاموف بیمنی را از عربی بسیار ترجمه کرد. در عهد
بسیار خوب است

الوج القنوج رازس - از علماء تفسیر و کلام و اعیان فاضلان
ناقل اخبار و از بزرگان زبان بزرگ فارسی قرن ششم هجری است

۳۹۱

کتب - حدائق الازهار فی حقائق الالوار
تصنیف امام فخر رازی است (۵۴۴-۵۰۸ هـ) ترجمه رازی
سکان کتب خود روشیه تألیف کرده و تصنیف علم از عدم عمورا
ردائتکاب بسیار است و از نمود و در واقع نزدش است که فرمایند
اصطلاحات علمی فایده دیگر بر آن ترتیب است زیرا بسیار
نویس و محقق نوشته است است - بسیار بسیار سال نوشته است

۳۹۵

جلد دوم سبک‌شناسی

رسیده و طوایف از فرزندان عمر بن الخطاب بهر آنکه
دل ارسالان صادر شده، حاضر و لیب و فاضل و نویسنده حروف
صائب و لطیفاتی عدیده که از آنجمله صدائق السمرقنی و قاضی السمر
در علم بدیع بطبع رسیده

صدائق السمر که کتب علمی است که در حدود سنه ۱۰۰۰
تا لطف گردید و از بدین گوی است که تا با بر فرد در علم بدیع رسیده
و لطف کتب است.

از سنه ۴۹۰ تا ۷۰۰ که سلاطین و آسایش صغیر
مکرر دانی داشته اند و ابیات فارسی در آن زمین و قریه در
ارستانان شروع کرده اند و تعداد تعدادی که از سن بقول
گرفته بودند به نظر کتب در آن صورت آورده از جمله آن
که ۷۰۰

را حقه الصور است بدیع لافضه راوتنی
که بیاید و دفعه اولی و ثانی و غیره را از کتب بارش می‌آید

صده دم سبقتی

زهدیه

موتکه بوسته بی کو تا به حیال
چه برکی کو بدندان آنگرام

تکده بوسته بی لب بائه لب بار حیال - ارا بر کس لب

بدندان نمکرم . ۴۱۰

جلد دوم سبک‌شماره

گفته نخستین

قرآن نفی و فقه مغول

سبب فطائی که در سال نه هزار و نه که در دگر خطا را انداخته بود
 با آثار دگر مغول به بره و در وسط تخت پادشاه ایران در پیش
 انصاف بدین راه خلفه بغداد که از همه هزاره پنهانک هم بود در بر
 او حرکتی نکرد و بنجد گویند که در سواد در میان به یکدیگر خان
 سر کرده آثار محمودیان و تبار بود و نیز سبب ظلم که حاکم
 اقرار با تبار مغول کرد بسپاسه و هم آثارها در اذاله در پیش
 که آثار درین بلاد عام در کرم و درین وصف حال کرده می‌در آید
 و حسان بر این کور آفتنه دامن کرد و درک را از غدی را از آفتنه
 و لقب در پیش نشاید: آمدند و گشته و گشته و در پیش و
 ز قسبه! و ما گوییم آمدند و گشته و گشته و در پیش و در قسبه!
 زیرا در دوشتر خیزد است که این قوم باز آمده و آفتنه در آن این کور
 زینا و آماران را طرد و میان کوه در پیش خود خوانده است و آواز
 دراز تا زبانه ظلم و به او شای بر این سر براد مهدن آری آن در حرکت خواهد بود
 منبر یک جا

د با صبا گشته و عقیق (حله فغول) گرفتند و از آنجا که گفتند که از آنجا
از علم و ادب در آن عصر تیره و تاریک شده باشیم بلکه با سبب انحراف و لغو
علم و ادب را در ظرف نصف قرن سدوق بود و صراط هم شده

میدانیم که ارباب و معلوم به نظر که مگر تیره ظهور تیره مگر تیره هم از آنجا
مستفاد - اعتقاد بر کدام تیره و انحراف طی این تیره است

هر تیره یک قرن نیز از مجرم مفعول نیز سبب معمول قرن ششم

بسیار تیره که بعد از آن لفظ و تابع در تیره آنه حق
تابع نورس که جمله از ضعف هم ارباب است در عهد آنان از اوست بگویم
صدق نصیحت است بلکه بگویند گفت در آن تیره از سابقین پیشرفت
و کتب عظیم تاریخی درین زمان بوجود آمده و اگر حوضه تمدن را از آن زمان
منظم سازیم باید گفت ایران بلکه عالم اسلام در آن حوضه رها کرد و تیره از آن
حوضه از عهد آن تیره برینا شده است

صفحه ۴

« در ضمنی که سبک در زندگی مانده سبک‌گرا ترزل فاعلیت بیرون
 علیه قرالت و فحاشی و لغویت قدم افتاد و ترسناک قسم ۲ و
 درین مرحلوفی بلاست و وقت جایی قرالت و فحاشی را رفت
 و این بلاست و وقت اصلاً به راکت و سبک‌گرا ترز انجانه ^{مفهوم} ~~مفهوم~~»

فکره
سبک‌گرا

تواریخی که در این عهد نوشته شده است:

- ۱- جهانگیر جونی تا تلفیق و کلامک جونی در حدود ۹۵۸
- ۲- جامع التواریخ در ۷۱۰
- ۳- تاریخ و صاف ۷۴۸
- ۴- تاریخ گزین در ۷۴۰ تا تلفیق حداد مستوفی
- ۵- نظام التواریخ ۹۷۴

مرزبان مانده ~~تاریخ~~ کتابی است که از زبان طبری ترجمه شده است
 و تلفیق آن مرزبان بن رستم از تهرانیان طبرستانی در اول قرن
 ۴ هجری است

جلد سوم بیگانه

دستورالعمل و راهوش کتاب - را بزبان درسی و بیگانه از زبان
خود برگردانند - مرزبان نامه کتابی است که واضع بزبان
صاحبوران یافته است - ماشه کلید و درنه

مرصاد العباد کتابی است در علم تصرف و اخلاق و سر و سبک و آداب
و معاش و معاد . در قرآن بقره نوره در سوره انش و در آن
سنگم بگفته است - در تصرف آن کتاب - تخم دانه است
صدقه را می گویند آن کتاب -

عشق

نوماده کلین حواقی عشق است
صوت فخر را به زنده گانی خوانی
سر راهی عمر حاد و انی عشق است
سر راهی آب زنده گانی عشق است

دل

از ششم عشق فاک آدمی است
ز شتر عشق بر گرامی است
صدقه و ذکر در طالع حاصل است
یک قطره فرو چکیده نامی دل است

صغیر ۲۹ و ۲۷

کتاب و استقراء - صبح بخیر و کجا دایره بقره سنان

دینیه اهل - یعنی اولین بار

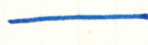
رنگ در صحن - ست و استوار

نفس و سخن - لانگ و نریه

مجلس کوشی - وظیفه و فطانه

شمس قیس را در از داندراک و در نینه مان فاضلان قرآن ششم نغم
 مجرب است - سقط از دستش که در آن بود - در باب محمد حواری
 به بغداد رفت و طیلم رسول را با حواریت ه ده و یکبار
 که با آن ~~و~~ ابوالحسن بنیاد رفت هر از لفظ تا بار در قرار
 حواریت ه رفت تا بر روی آب یک سخن رسد بنیاه بود
 و کتاب - المعجم فی معایر اشعار العرب را در علوم
 که در مفسر و تافیه ز ابدع در فرض اشعار و تفکیر و تالوای
 عهد تا یک ابو یوسف بن سعد بن زکریا هم رسیده است
 در این کتاب - حدیث اصل اینها هفت عمری است

م
م



آذن - آشن - آشن سندی درشت

کتابچه - کتابچه

توی - درون

مزم - متعارف و معمول در میان خاص

خاصه و قلم کردن

رند - کس است که بانه ترنگ و آستین عمود باشد
امروز رند کس گفته می شود که نزدیک درویش
و یا تجربه باشد

کسی یا ~~بزرگ~~ بزرگ بعضی بزرگ

کتابستان - دکان و خانه کتابها بر این کتابستان

بمع و صدارت و در حقیقت بره در اندرون صدارت
لویه است که نسیف است

طبرستان سید شمس

محمد عرفی دارا فیدائلفیست اول لسان الالباب

در ترجمه شواهد معارضه که آنرا نظراً بجزایب ال ۱۸ و تمام عن الملک

فیروز ناصر الدین قیامه سلف کریم است

دیگر جوامع الحکایات و لوازم الروایات است

عکایات جنگ جوشن و جهانگیر

عکایات جنگ جوشن ۹۱۱-۹۱۲ در دربار دربار دربار دربار

عکایات جنگ جوشن در دست

عکایات جنگ جوشن در دست و عکایات جنگ جوشن

عکایات جنگ جوشن در دست و عکایات جنگ جوشن

تاریخ و صفات پهلوی ادریس بن ادریس بن ادریس
 ۹۹۴ در سردار کدبانو تاریخ در ۵ حد
 و شهرت و تاریخ المغانان بقول ابراهیم و تاریخ
 ملوک داری اطراف از سال ۹۵۰ تا سال ۷۱۸
 مطالعه صفت از آن کتاب خاصه که قصه خواننده است تاریخ
 به سبب است با نجامه

تاریخ المعجم فی آثار ملوک العجم
 پهلوی روف الدین فضل الله
 قزوینی

تاریخ از محمد بن حسن طاهری (۹۰۰) و کتاب تاریخ المأثر
 وقت بر سر سردار که تاریخ نبود
 نوشته اردکس از اردکس به کلاب

۱۰۸

طلبه سوم سید شاد

ظهور سبک و سبک نامه

در ادوار اول نظم سبک نامه در دسترس است و آن سبک نامه
یکی سبک خاص صدر در دسترس سبک نامه و مقام

صدر لرکازی شیخ مصعب الدین ابو عبیده اله معروفی مصعب

بامیرزا الدین مصعب الدین در ادوار اول

نظم سبک نامه در دسترس است در ادوار اول باقیه است
در نامه ای که برای خود نوشته است که در مقام تابع حسین است
«تابع فضا ادعای خاص افتاد»

۱۱۴

«صدر تخلص خود را از نام سبک نامه در دسترس است
صدر ابی بکرین صدری است و نسخه آن یک نظیر الدین ابوبکر است
گرفت»

"کنج سائبر دربار میں ہوا، بلکہ یہ کتب نقل مائیں اور انہیں سونپ دیا، چلو
دینے کی سب سے تعداد کتب کو دے دیا۔ ان میں سے ایک کتاب کا نام شیخ الحدیث العفرائی
و محمد بن ویا و عطاء و غیر ان، شیخ از ابن خلیفہ (ضریبہ) و شیخ اوسفر
سیر در بلاد اسلام و مجلس گفتار و دیوار ارباب اہل حق و سیرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم

۱۱۴

۱۱۴ از صدر ۳۴۴ نمبر ماقبل آمد است. اول سبک سے اول
عصر یعنی قبائلہ سابق سیرت ابوالفضل و سعد الدین و جوش دوم
سیرت خواجہ عبدالعزیز سیرت خود سعدی و انہیہ در شیخ
رسالہ مقدمہ مطلقاً ان میں ہے۔

رسالہ اول سعدی ^{دیباچہ} کا کتب سب سے ان نوٹس ہے
رسالہ دوم عبادت ہے ان میں بھی کہ ہم عرفان ^{اندر آتی}
ہے دربار میں عطا و تہذیب کر نوٹس ہے

۱۱۴

جلد سوم سیرت شریف

رسالہ ہلالیہ سوم - انبر سالہ عمارت اللہ ازنگر - صاحبہ ہوان

شیخ و سید الاکابر و ستاروں کے فضائل و جواب شیخ نادر

ازمن بگو یا حاجی مردم گزاران را

کوہ پستی خلق بہ آزار میرد

حاجی کو تیرسی آسرا - از زبان آیت

بیانہ خازن محمود و بار میرد

۱۱۹

رسالہ ہلالیہ - بیان شیخ سعد الدین انوار ک

از شیخ در ضمن قطعہ ان سیرت کہ آقا عقل و سیر

سناقت و وصول است با شیخ

رسالہ پنجم رسوم بہ نصاب الملوک

علیه السلام

رساله پنجم - درستی نیست که جامع کلیات از زبان شیخ نقل شده

در ۳ رساله که تمام مباحث از آنکه مدار الکلیت بر آن رسیده و ملاقات

لوی آقاخان

رساله پنجم - در وقت مدک انکباز

رساله پنجم - درستی نیست که جامع کلیات در باب احوال کشمیر آرد

مدک پیش بیعت گردانیم

بعد از سردی سردی دارد که در واقع مابین محمدی کوشی و کردار

که کردنی در این آرزای طبیعت است - مجموع فریاد است سه مجلس

است و صفی فقره سوال در باب و آیت و اخبار محمول محمول

و صفی در آن وضع کرده است

گزارش است دیگری که در ملاک مراد است بطور الطوبان

شعر و صفی صفی ۱۷۶
مجلس

مدیریت امور

دوران همکاری در تبریز
کتابخانه و موزه
منتهی ۱۷۵ هجری

۱۱
۲۰

جلد سوم سبک شده

خواجده نصرالدین طوسی (۵۹۷-۹۷۲)

جزوه رساله توبه و رساله در اصول عقاید آنرا نوشته است

کتابی در شرح فتح بغداد است ملاکو نوشته

معمار الاسفار در صنایع سفر نوشته

سخن پنج المیزان نام رساله دیگر است

قطب الدین که از زونی ۵۳۴-۷۱۰ که در زاد انچه است

اد در طب دینت و ریاضی استاد بود و کتب فارسی است

در علم نجوم دینت دارد

بابا افضل گمانی نیز از صفا و ادب آن است

کفایت دوم

درون قسم آثار قرن دوم

درون مصطفی درستی است که ذوق نویسنده را برپسین نشانی

۱۸۹

در لغت معتدل یا اینکه فرست بسلیک معارف ایران دارد آه و از کتاب

و مجامع و مخازن در صد گاه آوسا و بر اگر علم اثر رسیده است آه از

لحاظ علقه که صیگر و قوم اوسا در کوزن دیگر در آن دیار مانده اند که

خود ابراز شده است نه من آغ خورد و بجه و اعتماد که از وقت

این سخن نویسی است که کلام قوم مغول بیقیاس ذکر دیگر وقایع

بزرگی که در این عصر اتفاق افتاد

۱۸۹

لهترین تواریخ ایران در زمان مغول و تیمور که جمله دوم صیگر است در این

تاریخ (۱۷۱)

خواجه رشید الدین (۷۱۸-۷۴۵) تاریخ عذراتی را که تاریخ

اقوام فعل است آرمال صغیر خالی است و آنرا سبط دایم

جامع التواریخ را تلف کرده

در او افزون نعم داد ای قرآن ششم ضعف ادب و دست و پا

دشمن پیدایش

باید که حرکت فعل از قرآن ششم بعد است در اطلاق نود و نه سال

سرفه کرد نفسی بود ترا از آنکه آنرا را عدم علاقه و اقصیه در پیشگاه تاریخی

داد دارد ای آن را عدم تحقیق در کتب متبع و پیروان از سینه

بدانند و مداح و اداری است

تواریخ امین دور نفسی بعد از قرآن ششم دیگر آنکه تواریخ فعل بود

استاد است

وَحَسَّ الذَّرَّاءُ لِيَوْمِهَا أَعْلَمُ وَأَعْمَرَهُ فِي السَّجْمِ وَهُوَ أَسْرَعُ
أَنْ يَسْمَعَ لَنَا فَيَجْمَعُ شَمْلَنَا وَاللَّهُ يَتَرَعَّبُ الْعَالَمِينَ قَدْرًا

صفحه ۹۲

تاریخ کونین معروف

۱- میرخوانده صاحب روضه الصفات که ۷ جلد است

میرخوانده در ۷۳۸ بدین آمده در ۹۰۲ در باب اول است

در ادب و سلطنت خاندان تیموریان، لانه زین العابدین «مادر اهل الذر»

با در گذر از دست تیموریان بدر برفت و طایفه تازه نفس از تیره آن

مغول دست قبیله قبیله بنام اوزبک خیزبان چشم طمع روضه خوانده

دبا در ادب اهل ذر دست از افسانه ۲۰۹

در این حالت است که امر عمل شریکانش مثل اکثر کینه آن خانه روی

کند با آبش قوی کار توغ فرنگ و ادب است ردافت. (این ادب است

رواق ادب است قدم راست است بخوبی سبک بندش میسر است ۲۰۹

در عصر سمرقند القاب و معانی در حالیکه اثنی عشر که در لغت در او ای
کتاب یادگیری فضل در باب موضوع معمول سدازه گاه شایسته بود
به صفتی است

شرف کار در آن که از عصر او بجا می آید آغاز است به در عصر
سمرقند غلبه یافت و در عصر صفویان با وج غلظت خود رسیده و تا عصر
پانزدهم دوام داشت و کار سبک ددین در آن مدت بهم رسیده و
درست بهم را به این وجه از رواج آن جدا دو کلامی و در درستی نو
از فلک گاه این دو کلام از یکدیگر در ایران نیز صورت گرفته است

۲۱۲

عبد الرحمن **جایی** اصلش از اصفهان است و خود در خرم‌آباد

که معروف به شکر معروف است بدین لحاظ جایی تحقیق

جایی از علماء عرفا و شوا و زنده جان زرنگ اراک است و بد

ارادتش نجوای عجب اله امر از قبینه سبک و خود پیوسته این

طریقه از مشهور است

جایی در تصنیف از معتقد باصل وحدت وجود است و لطیف است

از ادب نقل کرده اند که او نیز جایی این سوره ادریجی از طریقی عرفا خواند

بکه در جایی نگاه چشم بدارم توئی

برگشته است از خود سینه دارم توئی

یکی از ^{گودمان} ~~گودمان~~ ها فرگفت: بیکه فری سیه الود

۲۲۷

فرگفت: ناز سینه دارم توئی

جایی پارتی است را باقتضای طبعان سعدی نوشت

طبعاً سوس میگیرند

بگردد از ادب از ظاهر است و دستگیر که شود عطفه اعمامی و پدری
و اخلاق خاصه را از شر دریاست چه او با درگمان خودمانند
استادان بیگانه بیرون و باطوری نشان نشود که کجایم دره بس

دیده شود ؟

بگردد

« که سوس بیافتن و بافتن صحران نو و مدارک قافیه دروغه

لصفت و نیزانی در صیغه استل سبک صیغه هندی

گردد و این سبک از برای لفظ جابج و تقانی به دلیل ددگی و اهنالی

سرایت نمود. « این ارادات نظرمین وارد است اول بنامه آنرا که

جایی و حاضرین او دارند بلکه این سبک تقصیر محطی است که جایی را

از عهد صباوت بر عهد اوردیم *

« در زمان « سراج » بر سوس رسم تقنی عطفه و گفتار

و تعقیب نویسد همان دستور او را بر مردم آورد و بار بار است بر چه آثر

مجرم بود است ؟

۲۲۸

»

جلد دوم سبک‌شماره

است کانه عدت دستار دلقت مولانا در سر زرمال آنقدر از این
راود که ادب است آنقدر خالی از حرافت و کجاست آنرا ادبی است در مع
صفتی شو که در قفسه کفر و صفت از الفاظ ما به در هم می‌کشد
از آنرا آنقدر پیدا شود؟

۲۲۹

صلوات اللہ علیہ در طایف کار زونی در دستم حکم و ماضی
دارد و اگر بخواهد تا لقا - او بود و ما در یاد آید

گفتار سوم

از آن دم تا سر دم ^{و هم بجز}

لا ر مگر بعد از انقضای سوره ای از سوره امان حضرت
محمد خان گیلانی نبره بسیار بر آورده بود که اعدادی در بر
طوبت داشته در دست نوشته است بحالها گزین افتاد و در آنکه
نه می گرفته و نمایا داشته و کلیه ما و ایا اله رافع کرد و در امان
سوره را در احوال همچون مفروض یافت و در ۹۱۲ نمره سال
تا فته بلغ در است را هم وقت تحریف و گزین او از عنوان
از یک نفر از یک حال لا را بر رقصی در بر علوم و سعادت آورده که سوره
و غیر آورده بودند

اگر این لانه زنده که را از بسد لطفاً از آن را از دست در می
سینه سنگ نیست که باغ آبرای خود دیگر که گریه بود و سینه از
از صورت بعضی ادبیات و گمانه بی حالی تمدن ایران نام علمی مانده
ضمانده تا حالی که آن گمانه بعضی از زبان رفته کرده که سعادت باشد
از مادر ایا اله و سوره از هم امروزه سال صورت را دارد و از ادبیات فلسفی

فهرست نامها - دهنده شود این معنی فقیر بود است هم در فقه دود
روسیه در انواع نامهای رسمی نچود مزارا اما خرابی هم زیستند و مادران
باید رساندند در دست دارم که فاسد در مادران هر یکی از آنرا در اول

در آن سرزنی از زمین رفته لب: [۲۴۷]

لا بیگانه از اسناد که در دست است در مادر که شوهر آنرا
صبر گزینی از اسناد است که گفته اند در دست و سایر صنایع آن
هم در لب بر یک نوع تقویت و فساد عجیب است که بلا ماضی از لبه از برگ
شود آغاز شده و در لب از یک کالی خوشی (!) گنجهای است
و وقت حرکت آن در صورت است روسیه اتفاق کفاد از یک کالی خوشی
باید دوم باقی بگذرانند و از آن در ادبیات ایران آن در آن سرزنی

باقی نامها لب: [۲۴۷]

جلد سوم سنجشها

"حق الحمله لانه زنبور، سرگستان و مردمان را آزار کرد و جلو رزبوی
عراق یعنی بیابان که ضیق امراتان را بر می آید کشور بازم ظاهر
بودت اگر در جوانی خود که کثیر و ثقیل تا آنکه از قسده در فزون
توانسته زنبوران مغز را ملانده اعمی بر کرده است" ۲۵۰

در سال ۱۸ دولت عثمانی ضیق خود بود و زبان با کسی
در دربار ترک رایج بود سلطان محمود و سلطان سلیم اول هر دو
نقائس شکرگفته

در عویندین سینه عمود شکر گفته کرده و سابع نویسی در کج کزمت
ولی در آفریده صفویه شکر فن باز در ایران و هند و بلخ
مخونه شکر سابع شکر عالم آرای شاه اسماعیل

"دانه منجستان که بودند صحابه و بان آنقدر از اهل خراسان است"

۲۸۶

ملیہ کونسل کے

محمد باقر مجلسی اچھا دماغی دماغی تھیں کہ دور دور سے
دھیروں کی کہ دور سے باقی علم از سر نو ظاہر صغیر آفرین کردیا
صوبہ دانشمندانی کہ روابط سے صدہ دلیط یہ دفعی بنکر گرا
لو گرو توبہ کرانت دردت عمر توبہ ۱۶۰۲۷۰۰

بیت در میرا ہون توبہ سے گنت کہتہ ما امر او در زفر
لو گنت بہ شہرہ دنیا مہر و گرا گرو گرا مجموع عمر او کہ نفاذ وہ
سال بودہ اتہ این مبلغ را توزیع گنتہ وقت ہر سال ۱۹۲۱۵
بیت در میرا ہن ۱۵ حرف میگوید در ہجرت ۱۱۱۱
طہنت سلطان صہ
۲۰۵

یاد محمد علی کی ۲ ص
یاد معروفہ بنت
یاد علی بن ابی طالب
یاد مصعب بن عمیر

عبدلحمید نسک

تفتا نظام

فردی که در مقام خردی

افغانان طوائف بودیه از آریائی قدم ساکن سرحدات همین سنده نیما
 آریا در سنده دولت به دام پیچیده آریه . تا به یک یا تا سه اردو
 در میان سنده " رؤسای این طوائف در اردو ساکنی داشتند تا قسده
 دهم در سنده همانند آن صفوه داران و فادار بوده . در زمان سلطان حسن
 سب فاد در ریارد که یک رفا در ایران بطبع استقلال افتاده و سنده آریا
 تصرف سنده و این آریا که نزد ما سنده (۱۱۴۵)
 ماره که از یک طایفه آریائی که سنده سنده بود (یعنی محمودان)
 یعنی آریه .

۴۱۰

قسده افغانان ، اردن را پس از قسده ، اریا و سنده آریا
 سنده محمود " .

۴۱۱

قرن نهم شمردن سال ۱۸۷۱ تا ۱۸۹۰

"انحطاط ادب در این عصر دنیا که روان لغت را از یاد دور
تاریخ حفظ دین میآورد سازد و تندی و عساری در مکتب دارد"

۱۸۵

"اما انحطاط ادب متوقف گردد شوفازی یک راه
گوش با حوام حافظ علی احمد به پشت افتد و باز گشت و در نزدیکی
برین، نادره گویند که جابرفوش کرد، سبک سبک و متضع
دین روم که از عالم الفاظ فروماند و تمام نمیزد سورا از قصیده و غزل
کابل استبدال انکه و پایه سبک بندی از این دوره در حرات

در استان درستان نالغری و بعد اصفاغان دنده لفراد و در مکتب
ترضا کتبی که در مکتب لفظ و معنی دور به شای یافت و آثار آن

۱۸۵

تذکره الشعراء تألیف امیر دولتشاه بمقصدی که در ۱۸۹۲ تا ۱۸۹۴

سبک بندی

В поэзии (БТ) появляется научные термины, усиленно внедряется арабская лексика, появляются сложные аллюзии и метафоры, намеки, загадки, обогащаются риторические фигуры, значительно расширяется тематика стихотворных произведений,

20
عزى لطفك في
بشرى لحيه

«Если любите хорошацкий стиль, не надо быть врагом иракского. Это единая линия в литературе, развивающаяся во времени»

از فخر و دردی
از آن که در آن
از آن که در آن
از آن که در آن

формализм, упадочничество:
и песимизм, явившихся порождением монгольского ига и распространения суфизма.

(صائب - کرم - قزوین - عزیزی)
در سال ۱۳۰۲ هجری قمری در تبریز

литературное Возрождение
تجدید آه که از قضاوت اصوات است